

**جهت تهیه این کتاب می‌توانید با شماره
تلفن‌های ذیل تماس حاصل نمایید.**

۰۲۵-۳۷۷۴۹۲۷۴

۰۹۱۲۶۵۲۵۰۷۰

**همچنین می‌توانید در شبکه‌های
اجتماعی ایتا و تلگرام با شماره فوق
سفارش خود را ثبت فرمایید.**

■ کانال ایتا: **nashrehoghoghepoya**

■ کانال تلگرام: **hoghoghepoyapub**

■ صفحه اینستاگرام: **pooyalaw**

■ فروشگاه اینترنتی: **www.hpbook.ir**

■ فروشگاه اینترنتی: **www.hpbook.ir**

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حقوق خزای عمومی

۱-۲-۳

کاربردی ترین

- همراه جداول آسان ساز
 - کاملاً کاربردی
 - ویژه دانشجویان، کارآموزان، وکلا و قضات
- فرهود فهیم (مدرس دانشگاه)

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱۱
حقوق جزای عمومی (۱).....	۱۳
مقدمه.....	۱۴
۱- حقوق داخلی (حقوق ملی).....	۱۴
الف) حقوق عمومی.....	۱۵
ب) حقوق خصوصی.....	۱۵
۲- حقوق خارجی.....	۱۵
ویژگی‌های حقوق جزا.....	۱۷
۱- وجود ضمانت اجرای قوی.....	۱۷
۲- الزامی بودن قوانین کیفری.....	۱۸
۳- عام بودن قوانین کیفری.....	۱۸
تعریف حقوق جزای عمومی.....	۱۸
منابع حقوق جزا.....	۱۹
۱- منابع الزامی حقوق جزا.....	۲۰
۲- منابع ارشادی حقوق جزا.....	۲۱
قلمروی اجرای قوانین کیفری.....	۲۱
صلاحیت‌ها بر حسب قانون مجازات اسلامی.....	۲۳
۱- اصل صلاحیت سرزمینی.....	۲۳
۲- اصل صلاحیت واقعی.....	۲۴
۳- اصل شخصی بودن قوانین جزایی.....	۲۶
۴- اصل صلاحیت شخصی منفعل.....	۲۷
۵- اصل صلاحیت جهانی.....	۲۸
جرم و چپستی آن.....	۲۹
جرم از منظر جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی کیفری.....	۲۹
جرم از منظر حقوق کیفری ایران.....	۲۹
انواع جرم در ادبیات حقوقی.....	۳۱
تفاوت‌های جرم کیفری با جرم مدنی.....	۳۱
عناصر تشکیل دهنده جرم.....	۳۲
فصل اول: عنصر قانونی.....	۳۳

تعریف عنصر قانونی	۳۴
ادله عنصر قانونی	۳۴
اصل قانونی بودن جرم و مجازات	۳۵
نتایج منطقی اصل قانونی بودن جرم و مجازات	۳۵
استثناء عطف به ماسبق نشدن قانون	۳۹
مشخص کردن زمان وقوع جرم	۴۰
۱- جرم آنی	۴۰
۲- جرم مستمر	۴۱
ثمره تقسیم جرم به آنی و مستمر	۴۲
۳- جرم به عادت	۴۲
۴- تکرار جرم	۴۲
۵- تعدد جرم	۴۳
قاعده عطف به ماسبق نشدن در قوانین شکلی	۴۳
عوامل موجهه جرم (اسباب اباحه جرم)	۴۵
۱. اضطرار	۴۵
۲. حکم قانون، امر آمر قانونی	۴۸
۳- عملیات ورزشی	۵۱
۴- عملیات پزشکی	۵۲
۵- دفاع مشروع	۵۳
فصل دوم: عنصر مادی	۶۱
اجزای عنصر مادی	۶۴
جرم ناقص	۶۷
۱- شروع به جرم	۶۷
۲- جرم محال	۷۱
۳- جرم عقیم	۷۲
فصل سوم: عنصر روانی (معنوی)	۷۳
عنصر روانی در جرائم عمدی	۷۴
۱- علم	۷۴
۲- عمد	۷۶
عنصر روانی در جرائم غیر عمد (تقصیر کیفری)	۷۷
حقوق جزای عمومی (۲): (انواع بزهکار، عوامل رافع مسئولیت کیفری)	۷۹

فصل چهارم: انواع بزهکار به اعتبار نقش ۸۱

۱- فاعل و مباشر اصلی ۸۲

ارتکاب جرم توسط شخص حقوقی ۸۳

۲- شریک جرم ۸۴

شرایط تحقق شرکت در جرم ۸۷

مجازات شریک جرم ۸۹

تفاوت جرم باندی با شراکت در جرم ۹۱

۳- معاون جرم ۹۳

جرم انگاری مستقل برای برخی از مصادیق معاونت در جرم ۹۳

شرایط تحقق جرم معاونت ۹۵

مجازات معاونت در جرم ۹۹

۴- فاعل معنوی ۱۰۳

مطلب دوم: مسئولیت کیفری شخصی ۱۰۵

الف: مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری ۱۰۵

ب: مسئولیت کیفری شخص حقوقی ۱۰۷

مجازات شخصیت حقوقی ۱۰۸

فصل پنجم: عوامل رافع مسئولیت کیفری ۱۱۱

عوامل رافع مسئولیت کیفری ۱۱۲

۱- صغر سن ۱۱۲

۲- جنون ۱۱۸

۳- اجبار و اکراه ۱۲۳

۴- اشتباه ۱۲۸

۵- خواب، خواب‌گردی و بیهوشی ۱۳۲

۶- مستی ۱۳۳

فصل ششم: مواد مهم و کاربردی حقوق جزای عمومی ۲ و ۱۳۵

حقوق جزای عمومی ۳: (مسئولیت کیفری) ۱۵۱

فصل هفتم: مجازات ۱۵۵

بخش اول: اصول حاکم بر مجازات‌ها ۱۵۷

۱- اصل قانونی بودن مجازات ۱۵۷

۲- اصل شخصی بودن مجازات ۱۵۸

۳- اصل فردی بودن مجازات ۱۵۸

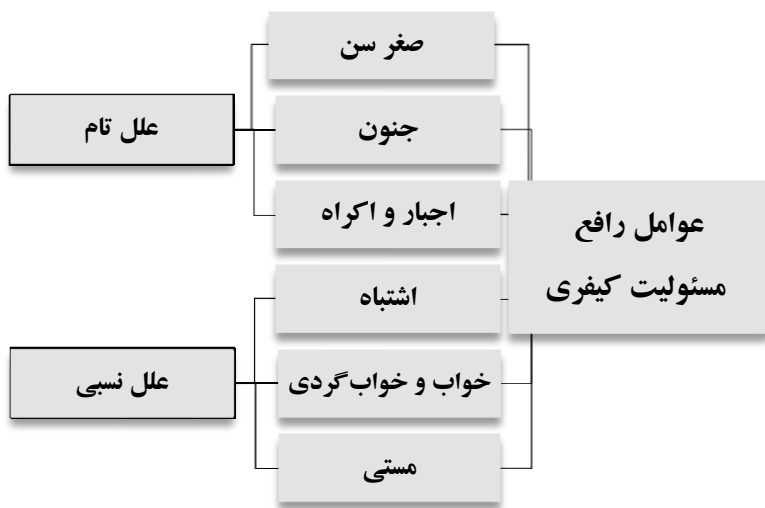
بخش دوم: طبقه‌بندی مجازات‌ها برحسب قانون مجازات اسلامی	۱۶۰
۱- طبقه‌بندی مجازات‌ها بر حسب ماده ۱۴ قانون مجازات اسلامی ..	۱۶۰
بخش سوم: طبقه‌بندی مجازات‌ها حسب موضوع	۱۷۲
۱- مجازات‌های بدنی	۱۷۳
۲- مجازات سالب آزادی	۱۷۵
۳- مجازات‌های محدودکننده آزادی	۱۷۷
۴- مجازات‌های مالی	۱۷۹
۵- مجازات سالب حیثیت	۱۸۴
۶- مجازات سالب حق	۱۸۵
بخش چهارم: مجازات‌های جایگزین حبس	۱۸۶
۱- دوره مراقبت	۱۸۸
۲- خدمات عمومی رایگان	۱۸۹
۳- جزای نقدی	۱۹۱
۴- جزای نقدی روزانه	۱۹۲
ضمانت اجرای مجازات جایگزین مجازات اصلی	۱۹۳
بخش پنجم: طبقه‌بندی مجازات‌ها برحسب نسبت آنها با یکدیگر	۱۹۶
۱- مجازات‌های اصلی	۱۹۶
۲- مجازات‌های تکمیلی	۱۹۷
ضمانت اجرای مجازات تکمیلی	۲۰۰
تخفیف مجازات تکمیلی از نوع کاهش یا لغو	۲۰۰
۳- مجازات‌های تبعی	۲۰۰
مبدأ شروع زمان مجازات تبعی	۲۰۳
فصل هشتم: نهادهای ارفاقی و تشدید	۲۰۷
بخش اول: اسباب معافیت از مجازات	۲۰۹
اسباب معافیت از مجازات	۲۱۰
الف- عذرهای قانونی	۲۱۰
۱. عذر همکاری	۲۱۰
۲. عذر ندامت	۲۱۱
۳. عذر توبه	۲۱۱
۴. عذر تحریک	۲۱۲
ب- معافیت قضائی	۲۱۲

۱. معافیت از مجازات.....	۲۱۳
۲. تعویق صدور حکم.....	۲۱۳
ج- مصونیت‌ها	۲۱۴
۱. مصونیت سیاسی.....	۲۱۴
۲. مصونیت پارلمانی.....	۲۱۴
۳. مصونیت قضائی.....	۲۱۴
بخش دوم: اسباب تخفیف مجازات.....	۲۱۶
اسباب تخفیف مجازات	۲۱۷
الف- عذرهای قانونی.....	۲۱۷
۱) عذر همکاری.....	۲۱۷
۲) عذر ترک جرم.....	۲۱۷
۳) عذر اعانت.....	۲۱۸
۴) عذر خانوادگی.....	۲۱۸
ب- عذرهای قضایی.....	۲۱۸
تسلیم به رأی	۲۲۰
موارد ممنوعیت استفاده از تخفیف.....	۲۲۳
بخش سوم: اسباب تشدید مجازات	۲۲۴
اسباب تشدید مجازات‌ها.....	۲۲۵
۱- اسباب تشدید خاص	۲۲۵
۲- اسباب تشدید عام.....	۲۲۶
۱) تعدد جرم.....	۲۲۶
۲) تکرار جرم.....	۲۳۶
اشکال مختلف مجازاتِ تکرار جرم.....	۲۳۶
بخش چهارم: اسباب تأخیر یا سقوط مجازات	۲۳۹
۱- تعویق صدور حکم.....	۲۳۹
شرایط تعویق صدور حکم	۲۴۰
موارد ممنوعیت تعویق صدور حکم.....	۲۴۰
اثر تعویق صدور حکم	۲۴۱
انواع تعویق صدور حکم.....	۲۴۲
ضمانت اجرای تخلف مجرم در تعویق صدور حکم چیست؟.....	۲۴۳
۲- قرار تعلیق مجازات	۲۴۵

۲۴۸	موارد ممنوعیت تعلیق اجرای حکم.....
۲۴۹	اثر تعلیق اجرای مجازات چیست؟
۲۵۰	انواع تعلیق
۲۵۰	ضمانت اجرای تعلیق اجرای حکم چیست؟
۲۵۳	بخش پنجم: آزادی مشروط
۲۵۳	شرایط استفاده از آزادی مشروط
۲۵۵	موارد ممنوعیت استفاده از آزادی مشروط.....
۲۵۶	مدت آزادی مشروط
۲۵۶	ضمانت اجرای آزادی مشروط
۲۵۸	بخش ششم: نظام نیمه آزادی
۲۵۸	شرایط استفاده از نظام نیمه آزادی
۲۶۰	بخش هفتم: سامانه الکترونیک
۲۶۰	نکات آزادی با سامانه هوشمند
۲۶۲	بخش هشتم: اسباب سقوط مجازات (قرار موقوفی تعقیب)
۲۶۲	۱- فوت محکوم علیه
۲۶۴	۲- گذشت متضرر (شاکی خصوصی) از جرم
۲۶۹	۳- توبه بزه کار
۲۷۲	۴- مرور زمان
۲۷۹	۵- نسخ قانون
۲۸۰	۶- عفو
۲۸۳	فصل نهم: مواد و اصول مهم قانونی

فصل پنجم

عوامل رافع مسئولیت کیفری



عوامل رافع مسئولیت کیفری

عوامل رافع مسئولیت کیفری "عوامل، کیفیات و شرایطی هستند که با خدشه در عنصر روانی جرم، باعث می‌شوند بزه‌کار از مجازات معاف گردیده و کیفر در مورد او اجرا نشود؛" باید گفت عوامل رافع مسئولیت کیفری شخصی هستند لذا تأثیری در حال شریک جرم و معاون جرم نخواهند داشت.

۱- صغر سن

حسب تبصره ماده ۳۰۴ آیین دادرسی کیفری "طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی" نرسیده است.

ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری:

به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده،

در بخش نگهداری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می‌شود، نگهداری می‌شوند.

تبصره ۱- طفل، کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است.

همچنین حسب ماده ۱۴۷ ق.م.ا سن بلوغ در دختران ۹ سال قمری معادل ۸ سال و ۹ ماه شمسی است در پسران ۱۵ سال قمری معادل ۱۴ سال و ۷ ماه شمسی است

ماده ۱۴۷ قانون مجازات اسلامی:

سن بلوغ، در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.

حسب ماده ۱۴۶ ق.م.ا افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند و در صورت ارتکاب جرم از مجازات معاف خواهند بود هرچند که مسئولیت مدنی به قوت خود پابرجاست.

ماده ۱۴۶ قانون مجازات اسلامی:

افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند.

قانونگذار بنا بر مصلحت اجتماعی و رعایت شرایط و اقتضاءات موجود، ابداعی جدید در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۹۲ کرده و هرم سنی خاصی برای مجازات یا عدم مجازات مجرمین کودک و نوجوان تعیین نموده است که در این هرم سنی، در برخی شرایط بین دختران و پسران تفاوتی در مسئولیت کیفری قایل نگردیده است.

قبل از بیان هرم سنی در مسئولیت کیفری باید گفت که " کودک " در ادبیات حقوقی تا ۱۵ سال و نوجوان بین ۱۵ تا ۱۸ سال می باشد.

هرم سنی مسئولیت کیفری در کودکان و نوجوانان

مجازات	سن	مسئولیت کیفری
تعزیرات	زیر ۹ سال	فاقد مسئولیت کیفری (چه دختر چه پسر) اما مسئولیت مدنی بر عهده ولی یا سرپرست قانونی است. (مفهوم مخالف ماده ۸۸ ق.م.و مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ ق.م.ا)
	۹ تا ۱۲ سال	فاقد مسئولیت کیفری اما دارای اقدامات تأمینی تربیتی مطابق ماده ۸۸ ق.م.ا به جز بند ت ث (چه دختر چه پسر)
	۱۲ تا ۱۵ سال	فاقد مسئولیت کیفری اما دارای اقدامات تأمینی تربیتی مطابق ماده ۸۸ ق.م.ا (چه دختر چه پسر) (به شرط تعزیرات درجه ۱ تا ۵)
	۱۵ تا ۱۸ سال	دارای مسئولیت کیفری اما خفیف تر حسب ماده ۸۹ ق.م.ا (چه دختر چه پسر)
ح.دود و قصاص	زیر ۹ سال	فاقد مسئولیت کیفری (چه دختر چه پسر)
	۹ تا ۱۲ سال	پسر: فاقد مسئولیت کیفری و اجرای بندهای الف تا پ ۸۸ (تبصره ۲ ماده ۸۸ ق.م.ا) دختر: دارای مسئولیت کیفری است (مستنداً به نظریه مشورتی ۷/۹۴/۱۹۷ مورخ ۱۳۹۴/۲۹۱) مگر آنکه قوه تمیز نداشته باشد که به ماده ۹۱ ق.م.ا مراجعه میشود.
	۱۲ تا ۱۵ سال	پسر: فاقد مسئولیت کیفری اما مطابق تبصره ۲ ماده ۸۸ ق.م.ا رفتار میشود. (اجرای بندهای ت و ث ۸۸) دختر: مانند ۹ تا ۱۲ سال رفتار میشود.
	۱۵ تا ۱۸ سال	اگر دارای قوه تمیز است: دارای مسئولیت کیفری است. (چه دختر چه پسر) اگر فاقد قوه تمیز است: مطابق ماده ۹۱ ق.م.ا مانند ۱۲ تا ۱۵ سال رفتار میشود.
دیات		در هر سنی باید دیه داده شود لذا طبق ماده ۹۲ قانون مجازات اسلامی رفتار می‌شود. جنایت کودک و نوجوان در حکم خطای محض می‌باشد. (بند ب ماده ۲۹۲ ق.م.ا ^۱)

۱. ماده ۲۹۲ ق.م.ا: جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود:

الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود.

ب- به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.

ماده ۹۱ قانون مجازات اسلامی:

در جرائم موجب حد یا قصاص هرگاه افراد بالغ کمتر از هجده سال، ماهیت جرم انجام شده و یا حرمت آن را درک نکنند و یا در رشد و کمال عقل آنان شبهه وجود داشته باشد، حسب مورد با توجه به سن آنها به مجازات‌های پیش‌بینی شده در این فصل محکوم می‌شوند.

تبصره- دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می‌تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگر که مقتضی بداند، استفاده کند.

ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی:

درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می‌کند:

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان

تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می‌تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

۱- معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان

۲- فرستادن طفل یا نوجوان به یک موسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی

۳- اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک

۴- جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه

۵- جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محل‌های معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی

پ- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.

تبصره- در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.

تبصره- تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.
پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه
ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم
ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری
درجه یک تا پنج

تبصره ۱- تصمیمات مذکور در بندهای (ت) و (ث) فقط درباره اطفال و نوجوانان دوازده تا پانزده سال قابل اجرا است. اعمال مقررات بند (ث) در مورد اطفال و نوجوانانی که جرائم موجب تعزیر درجه یک تا پنج را مرتکب شده‌اند، الزامی است.

تبصره ۲- هرگاه نابالغ مرتکب یکی از جرائم موجب حد یا قصاص گردد در صورتی که از دوازده تا پانزده سال قمری داشته باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای (ت) و (یا) (ث) محکوم می‌شود و در غیر این صورت یکی از اقدامات مقرر در بندهای (الف) تا (پ) این ماده در مورد آنها اتخاذ می‌گردد.

تبصره ۳- در مورد تصمیمات مورد اشاره در بندهای (الف) و (ب) این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می‌تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش‌های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هرچند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند در تصمیم خود تجدیدنظر نماید.

ماده ۸۹ قانون مجازات اسلامی:

[جزای نقدی اصلاحی ۱۳۹۹/۱۱/۰۸]- درباره نوجوانانی که مرتکب جرم تعزیری می‌شوند و سن آنها در زمان ارتکاب، بین پانزده تا هجده سال تمام شمسی است مجازات‌های زیر اجرا می‌شود:

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ۱۵,۰۰۰,۰۰۰ تا ۶۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.

ت- پرداخت جزای نقدی از ۳,۰۰۰,۰۰۰ تا ۲۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا ۳,۰۰۰,۰۰۰ ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.
تبصره ۲- دادگاه می‌تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتکابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در

منزل در ساعاتی که دادگاه معین می‌کند یا به نگهداری در قانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

نکاتی در خصوص مسئولیت کیفری کودکان و نوجوانان

۱. ماده ۸۸ و ۸۹ قانون مجازات اسلامی بیانگر واکنش قانون در خصوص جرائم دو گروه اطفال و نوجوانان است بدین توضیح که قانون با رفتار مجرمانه این دو گروه واکنش ارعایی ندارد، بلکه واکنش تأدیبی از نوع "اقدامات تأمینی تربیتی" خواهد داشت.

۲. برخلاف ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی، محکومیت‌های کیفری اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۸ سال حسب ماده ۹۵ ق.م.ا فاقد آثار کیفری است و در سجلی کیفری ثبت نشده و سوء پیشینه محسوب نمی‌گردد.

۳. جرائم کودکان و اطفال و نوجوانان حسب ماده ۱۱ کاهش مجازات‌های تعزیری مصوب ۹۹ فاقد جنبه عمومی است.^۱

۴. در خصوص بند الف ماده ۸۸ قانون مجازات اسلامی که بحث تسلیم به والدین را بیان می‌کند، در صورت عدم صلاحیت والدین، از تحویل فرزندان خاطی به آنها اجتناب می‌گردد؛ حسب ماده ۱۱۷۳ ق.مدنی^۲ موارد عدم صلاحیت والدین عبارت‌اند از:

۱. ماده ۱۱ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری: ... کلیه جرائم تعزیری درجه پنج و پایین‌تر ارتكایی توسط افراد زیر هجده سال در صورت داشتن بزه دیده، مشمول تبصره (۱) ماده (۱۰۰) این قانون و ماده (۱۲) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۴/ ۱۲/ ۱۳۹۲ بوده و قابل گذشت است.

۲. ماده ۱۱۷۳ ق.مدنی: هرگاه در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، محکمه می‌تواند به تقاضای اقربای طفل یا به تقاضای قیم او یا به تقاضای رئیس حوزه قضایی، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی بداند، اتخاذ کند.

موارد ذیل از مصادیق عدم مواظبت و یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است:

۱. اعتیاد زیان آور به الکل، مواد مخدر و قمار.
۲. اشتها به فساد اخلاق و فحشاء.
۳. ابتلا به بیماری‌های روانی یا تشخیص پزشکی قانونی.

الف: اعتیاد زیان‌آور به الکل، مواد مخدر، قمار

ب: اشتها به فساد اخلاق و فحشاء

ج: ابتلاء به بیماری‌های روانی با تشخیص پزشک روانپزشک

د: سوء استفاده از طفل به عنوان کار اجباری یا مسائل ضد اخلاقی

ه: تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف

۵. مطابق ماده ۱۳۸ ق.م.ا^۱ مقررات مربوط به "تکرار جرم در مورد اطفال و نوجوانان اعمال نمی‌شود". در این خصوص وحدت رویه شماره ۳۵-۱۳۶۰/۹/۱۰ هیات عمومی دیوان عالی کشور نیز موید مساله است.

۶. حسب ماده ۳۰۴ و تبصره ۱ ماده ۲۷۵ آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ به کلیه جرایم اطفال - تا ۱۵ سال - و نوجوانان - ۱۵ تا ۱۸ سال در دادگاه اطفال و نوجوانان با جری تشریفات ویژه‌ای رسیدگی می‌گردد؛ حسب ماده ۲۸۵ آ. د. ک تحقیقات مقدماتی افراد نوجوان - ۱۵ تا ۱۸ سال - به جز جرایم ماده ۳۰۶ و ۳۴۰ آ. د. ک در دادرسی ویژه نوجوانان که در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان است، رسیدگی می‌گردد. و در صورت تشکیل پرونده در دادرسی، دادیار یا بازپرس قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه صالح صادر می‌نماید.

۲- جنون

دومین مورد از موارد رافع مسئولیت کیفری "جنون" است بدین معنا که شخصی که دارای جنون است در صورت ارتکاب جرم کیفری، مجازات نخواهد شد؛ به طور نمونه اگر مجنونی اقدام به قتل کند، قصاص نمی‌گردد. حسب ماده ۱۴۹ ق.م.ا جنون به معنای "فقدان قوه تشخیص و تمییز و اراده بوده و رافع مسئولیت کیفری است." جنون باید به تأیید کمیسیون مربوطه در پزشکی قانونی برسد.

طبق ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی مسئولیت مدنی مجنون پابرجا است.

۴. سوء استفاده از طفل یا اجبار او به ورود در مشاغل ضد اخلاقی مانند فساد و فحشاء، تکی‌گری

و قاچاق، تکرار ضرب و جرح خارج از حد متعارف.

۱. ماده ۱۳۸ ق.م.ا: مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی‌شود.

ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی:

هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمییز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد

ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی:

هرگاه صغیر یا مجنون یا غیر رشید باعث ضرر غیر شود ضامن است.

نکاتی در خصوص جنون

۱. حسب ماده ۱۵۰ ق.م.ا و ماده ۲۰۲ آ.د.ک اگر مجنون سبب اخلاص در نظم اجتماعی شود به دستور دادستان (نه بازپرس) از باب اقدام تأمینی تربیتی تا رفع حالت خطرناک در مکان مشخصی نگهداری می‌شود.

ماده ۱۵۰ قانون مجازات اسلامی:

هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب، مجنون باشد یا در جرائم موجب تعزیر پس از وقوع جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص، ثابت و آزاد بودن وی محل نظم و امنیت عمومی باشد به دستور دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می‌شود.

شخص نگهداری شده یا خویشاوندان او می‌توانند در دادگاه به این دستور اعتراض کنند که در این صورت، دادگاه با حضور معترض، موضوع را با جلب نظر کارشناس در جلسه اداری رسیدگی می‌کند و با تشخیص رفع حالت خطرناک در مورد خاتمه اقدام تأمینی و در غیر این صورت در تأیید دستور دادستان، حکم صادر می‌کند. این حکم قطعی است ولی شخص نگهداری شده یا خویشاوندان وی، هرگاه عللهم بهبود را مشاهده کردند حق اعتراض به این حکم را دارند.

این امر مانع از آن نیست که هرگاه بنا به تشخیص متخصص بیماری‌های روانی، مرتکب، درمان شده باشد برحسب پیشنهاد مدیر محل نگهداری او دادستان دستور خاتمه اقدام تأمینی را صادر کند.

تبصره ۱- هرگاه مرتکب یکی از جرائم موجب حد پس از صدور حکم قطعی دچار جنون شود حد ساقط نمی‌شود. در صورت عارض شدن جنون قبل از صدور حکم قطعی در حدودی که جنبه حق‌اللهی دارد تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می‌افتد. نسبت به مجازات‌هایی که جنبه حق‌الناسی دارد مانند قصاص و دیه و همچنین ضرر و زیان ناشی از جرم، جنون مانع از تعقیب و رسیدگی نیست.

ماده ۲۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری:

هرگاه بازپرس در جریان تحقیقات احتمال دهد متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می‌آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، پرونده را با صدور قرار موقوفی تعقیب نزد دادستان می‌فرستد. در صورت موافقت دادستان با نظر بازپرس، چنانچه جنون استمرار داشته باشد شخص مجنون بنا بر ضرورت، حسب دستور دادستان به مراکز مخصوص نگهداری و درمان سازمان بهزیستی و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منتقل می‌شود. مراکز مذکور مکلف به پذیرش می‌باشند و در صورت امتناع از اجرای دستور دادستان، به مجازات امتناع از دستور مقام قضائی مطابق قانون مجازات اسلامی محکوم می‌شوند.

۳. جنون زمانی رافع مسئولیت کیفری است که **حین ارتکاب جرم** باشد، لذا رابطه جنون با مسئولیت کیفری به موارد زیر تقسیم است:

جنون حین ارتکاب جرم	رافع مسئولیت کیفری و صدور قرار موقوفی تعقیب حسب مواد ۱۵۰ و ۱۴۹ ق.م.ا و مواد ۳۷۰ و ۳۱۳ آ.د. ک
جنون قبل از ارتکاب جرم	رافع مسئولیت کیفری نیست اما حسب بند ث ماده ۳۸ ق.م.ا ^۱ از عوامل تخفیف مجازات است.
جنون پس از ارتکاب جرم و پیش از صدور حکم قطعی	الف: در جرایم <u>حَدی حق اللهی</u> مثل زنا، بغی، در این صورت تعقیب و رسیدگی تا زمان افاقه متوقف می‌شود یعنی فی الجمله رافع مسئولیت کیفری است. ب: در جرایم <u>حق الناسی</u>: مثل قصاص- تعزیرات و قذف: در اینصورت تعقیب متوقف می‌شود تا زمان بهبودی مگر اینکه ادله به قدری قوی باشد که مرتکب در حالت سلامت نیز نمی‌توانسته از خود دفاع کند. در این صورت ولی یا قیم موظف به معرفی وکیل تا ۵ روز می‌باشد و در صورت عدم معرفی، وکیل تسخیری گرفته می‌شود. مستفاد از جمع تعارض بین تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق م ا با تبصره ۲ ماده ۱۳ آ.د.ک حسب تبصره ۲ ماده ۱۳ آ.د.ک و تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق م ا

۱. جهات تخفیف عبارت‌اند از: ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

جنون بعد از صدور حکم قطعی	الف: در قصاص: اگر اجرای مجازات موجب تشدید بیماری یا تأخیر در بهبودی وی شود تا زمان بهبودی با نظر پزشکی قانونی اجرا به تعویق می‌افتد. مستفاد از تعارض ماده ۵۰۲ آ.د.ک. ^۱ و ذیل تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا.	ب: در تعزیرات: اگر امید به بهبودی باشد یا اجرای حکم موجب تشدید بیماری گردد. اجرا به تعویق می‌افتد مگر مجازات مالی مثل جزای نقدی که از اموال تعدیه می‌شود. حسب ماده ۵۰۲ و ۵۰۳ آ.د.ک. ^۲ آ.د.ک.	ج: در حدود: رافع مسئولیت کیفری نیست حسب تبصره ۱ ماده ۱۵۰ ق.م.ا: حدود اجرای می‌شود.	د: دیه: حسب ماده ۱۲۱۶ ق.م.و ماده ۵۰۳ ادک اقدام می‌شود

۴. حسب ماده ۱۳^۳ و ۳۷۰ آ.د.ک.^۱: برای پرونده مجنون چه در دادگاه و چه در دادسرا، قرار موقوفی تعقیب صادر می‌شود.

۱. ماده ۵۰۲ آ.د.ک: هرگاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا باشد و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. چنانچه در جرائم تعزیری امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانع بودن آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را برای تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادر کننده رای قطعی ارسال می‌کند.

تبصره- هرگاه حین اجرای مجازات، بیماری حادث شود و تعویق اجرای مجازات فوریت داشته باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور توقف اجرای آن، طبق مقررات این ماده اقدام می‌کند.

۲. ماده ۵۰۳ آ.د.ک: هرگاه محکوم علیه در جرائم تعزیری، پس از صدور حکم قطعی، مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد؛ مگر در مورد مجازات‌های مالی که از اموال محکوم علیه وصول می‌شود.

تبصره- محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می‌برد، در صورت جنون تا بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می‌شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می‌شود.

۳. ماده ۱۱۳ آ.د.ک: تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:
الف- فوت متهم یا محکوم علیه

۵. جنون ادواری، زمانی رافع مسئولیت کیفری است که حین ارتکاب جرم، وجود داشته باشد. قانونگذار در مواد ۱۷۸ و ۳۰۸ ق.م.ا به جنون ادواری اشاره کرده است.

۶. جنایت مجنون (قتل واقع شده توسط دیوانه) به منزله خطای محض بوده و حسب بند ب از ماده ۲۹۲ ق.م.ا عاقله ضامن دیه است اما اگر عاقلی، اقدام به قتل دیوانه کند مطابق ماده ۳۰۵ ق.م.ا قصاص منتفی است بلکه دیه و تعزیر ماده ۶۱۲ ق.ت اجرا می‌شود.

۷. افسردگی، پارانویید، دوقطبی و سایر بیماری‌های روحی، جنون محسوب نمی‌شوند مگر اینکه به حدی برسند که شخص قوه تمیز خود را از دست بدهد. بیمارهای روحی و روانی مادون جنون، می‌توانند از اسباب و کیفیات مخففه به شمار آیند.

ب- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت

پ- شمول عفو

ت- نسخ مجازات قانونی

ث- شمول مرور زمان در موارد پیش بینی شده در قانون

ج- توبه متهم در موارد پیش بینی شده در قانون

چ- اعتبار امر مختوم

تبصره ۱- درباره دیه مطابق قانون مجازات اسلامی عمل می‌گردد.

تبصره ۲ (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴)- هر گاه مرتکب جرم پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، تعقیب و دادرسی متوقف می‌شود. مگر آنکه در جرائم حق الناسی شرایط اثبات جرم به نحوی باشد که فرد مجنون یا فاقد هوشیاری در فرض افاقه نیز نتواند از خود رفع اتهام کند. در این صورت به ولی یا قیم یا سرپرست قانونی وی ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت پنج روز نسبت به معرفی وکیل اقدام نماید. در صورت عدم معرفی، صرف نظر از نوع جرم ارتكابی و میزان مجازات آن وفق مقررات برای وی وکیل تسخیری تعیین می‌شود و تعقیب و دادرسی ادامه می‌یابد.

۱. ماده ۳۷۰ آ.د.ک: چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی، احتمال دهد متهم حین ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل می‌آورد، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، نسبت به اصل اتهام به صدور قرار موقوفی تعقیب مبادرت می‌کند و با رعایت اقدامات تأمینی برای متهم تصمیم می‌گیرد.

تبصره- چنانچه جرایم مشمول این ماده مستلزم پرداخت دیه باشد، طبق مقررات مربوط اقدام می‌شود.

۳- اجبار و اکراه

حسب ماده ۱۴۰ ق.م.ا یکی از شرایط عام مسئولیت کیفری^۱ "اختیار" است؛ کسی که اختیار او سلب شده، مسئولیت کیفری ندارد پس در مقابل اختیار، "اجبار و اکراه" قرار^۲ می‌گیرد؛ اصل بر این است که "کسی که در حالت اجبار و اکراه مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد."

ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی:

مسئولیت کیفری در حدود، قصاص و تعزیرات تنها زمانی محقق است که فرد حین ارتکاب جرم، عاقل، بالغ و مختار باشد به جز در مورد اکراه بر قتل که حکم آن در کتاب سوم «قصاص» آمده است.

نکته: همانگونه که در ماده ۱۴۰ ق.م.ا مشخص است، پرداخت دیه نیاز به اختیار نداشته و دیه در صورت اکراه و اجبار، پابرجاست. طبق اصل اولیه، دیه صغیر توسط ولی و دیه مجنون از اموال خودش، پرداخت می‌گردد.

نکته: حسب ماده ۱۵۱ ق.م.ا هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتار مجرمانه شود مجازات نمی‌گردد

ماده ۱۵۱ قانون مجازات اسلامی:

هرگاه کسی بر اثر اکراه غیرقابل تحمل مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد. در جرائم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می‌شود. در جرائم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط رفتار می‌شود.

در ادبیات حقوقی، آنچه که در مقابل اختیار است، "اجبار و اکراه" می‌باشد که البته باید گفت، در قانون مجازات اسلامی، اشاره‌ای به "واژه اجبار" نشده و فقط "عبارت اکراه" در مواد قانونی ذکر شده است اما به دلیل اینکه اکراه مرتبه‌ای از اجبار بوده، دکترین حقوق از باب مسامحه، هردوی آنها را به یک معنا پنداشته است هرچند در حقیقت و ماهیت،

۱. شرایط عام مسئولیت کیفری عبارت‌اند از ۱- عقل ۲- بلوغ ۳- اختیار ۴- قصد

۲. اکراه حالتی است که مرتکب دارای اختیار و قصد ضعیفی است که به دلیل فشار غیرقابل تحمل، مغلوب اراده اکراه کننده است مثلاً به کسی بگویند اگر این گاو صندوق را باز نکنی فرزندت را می‌کشیم اما اجبار حالتی است که شخص هیچ اختیار و قصدی ندارد مثلاً دست کسی را به زور گرفته و گاو صندوق را باز کنند. اکراه و اجبار هردو مقابل اختیار بوده و بدون هیچ تفاوتی از عوامل رافع مسئولیت کیفری هستند.

تفاوت‌هایی بین اجبار و اکراه وجود دارد که از جمله می‌توان ادعا کرد که در "اجبار" اراده زایل می‌گردد ولی در اکراه، اراده به طور کلی زایل نشده ولی رضایت از بین می‌رود.

تعریف اکراه: مرتبه‌ای از اجبار که در آن، مرتکب به فعل یا ترک فعلی وادار می‌گردد که از آن رفتار، کراهت دارد لذا علی‌رغم وجود اراده برای ارتکاب جرم، اما رضایت قلبی وجود ندارد. (اما در اجبار، "رضایت" وجود ندارد).

اقسام اجبار	
با عامل بیرونی قدرتی از جانب دیگری که شخص را وادار می‌کند بدون اختیار مرتکب جرمی شود. مثل گذاشتن انگشت دیگری روی ماشه و چکاندن آن مثل محبوس کردن سوزن‌بان که نتواند ریل را عوض کند	رافع مسئولیت کیفری است.
	اجبار مادی
با عامل درونی قدرتی نشأت گرفته از وضعیت جسمی یا روانی خود شخص که اختیار وی را سلب می‌نماید. مثل خوابیدن نگهبان از فرط خستگی شدید که مراقبت از انبار را خدشته دار می‌کند و منتهی به سرقت از انبار می‌شود.- مانند گشنگی غیرقابل تحمل که منتهی به سرقت مواد غذایی شود.	رافع مسئولیت کیفری است.
	اجبار معنوی
با عامل بیرونی (این مورد همان اکراه است) وادار کردن کسی به ارتکاب رفتار مجرمانه بدون رضایت با تهدید یا تحریک یا تلقین شدید که در روان وی تاثیر گذاشته و او را وادار به ارتکاب جرم می‌کند. مثل تهدید دیگری به قتل جهت باز کردن گاوصندوق شرکت مثل تهدید به آزار فرزند جهت افشای اطلاعات مجرمانه	رافع مسئولیت کیفری است.
	اجبار معنوی
با عامل درونی ارتکاب جرم ناشی از یک امر درونی شخصی مثل هیجان، تعصب و احساساتی شدن مانند علاقه زیاد که باعث قتل می‌گردد. مثل هیجان ناشی از تحریک غیر جهت تخریب در اغتشاشات و اعتراضات	رافع مسئولیت کیفری نیست
	اجبار معنوی

نکته: زمانی اجبار و اکراه رافع مسئولیت کیفری است که فشار وارده "سخت و غیر قابل" تحمل بوده و همچنین، خود شخص سابقاً عامل به وجود آمدن فشار نباشد.

نکته: ارتکاب جرم با اکراه مستند به "تهدید" در صورتی می‌تواند شرایط رفع مسئولیت کیفری را به وجود آورد که دارای ۳ شرط باشد:

- ۱- تهدید شدید باشد یعنی عادتاً نتوان در مقابل آن مقاومت کرد.
- ۲- مستقیم و قریب الوقوع باشد.
- ۳- تهدید به شکل غیر قانونی و نامشروع باشد.

نکته: حسب ماده ۱۵۱ ق.م.ا مجازات اکراه کننده و اکراه شونده بدین شرح می‌باشد:

اکراه غیر قابل تحمل مرتکب رفتار مجرمانه	
در جرائم تعزیری	اکراه شونده مجازات نمی‌شود و اکراه کننده به مجازات فاعل محکوم می‌شود. (رافع مسئولیت کیفری)- مانند ماده ۶۳۷ ق.ت
در حدود	در حدود: حسب ماده ۲۱۸ ق.م.ا ^۱ در جرائم حدی اگر متهم ادعای وجود اکراه یا اجبار نماید و آن را اثبات کند در این صورت رافع مسئولیت کیفری است. و حد جاری نمیشود. مانند اکراه به زنا

۱. ماده ۲۱۸ ق.م.ا: در جرائم موجب حد هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید و ارباب یا شکنجه گرفته شده است ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می‌شود.

تبصره ۱- در جرائم محاربه و افساد فی الارض و جرائم منافی عفت با عنف، اکراه، ربایش یا اغفال، صرف ادعا، مسقط حد نیست و دادگاه موظف به بررسی و تحقیق است.

تبصره ۲- اقرار در صورتی اعتبار شرعی دارد که نزد قاضی در محکمه انجام گیرد.

اکراه در قتل: طبق ماده ۳۷۵ ق.م.ا. اکراه در قتل، رافع مسئولیت کیفری نبوده که علت آن نیز ترجیح بلا مرجح می‌باشد لذا قاتل، حسب مورد قصاص و اکراه کننده نیز حبس ابد می‌شود.	در قصاص
اکراه در جنایت علیه عضو: طبق ماده ۳۷۷ و ۳۷۸ ق.م.ا. اگر اکراه اثبات شود، اکراه کننده در حکم مباشر است و اکراه شونده معاف می‌شود یعنی برای اکراه شونده، رافع مسئولیت کیفری است.	
اکراه در جنایت علیه نفس خود: در این صورت اکراه کننده طبق ماده ۳۷۹ ق.م.ا. در حکم قاتل است.	

نکته: حسب ماده ۳۷۷ و ۳۷۵ ق.م.ا.: اکراه در قتل به اشکال ذیل تقسیم می‌گردد.

- ۱- اصل اول این است که اکراه در قتل رافع مسئولیت کیفری برای مباشر نیست.
- ۲- اگر اکراه شونده "بالغ و عاقل" باشد، اکراه شونده قصاص؛ اکراه کننده حبس ابد می‌شود.
- ۳- اکراه شونده "طفل ممیز" باشد، جنایت اکراه شونده خطای محض بوده و دیه توسط عاقله پرداخت می‌گردد و اکراه کننده نیز حبس ابد می‌شود.
- ۴- اکراه شونده "طفل غیر ممیز" باشد، اکراه شونده مسئولیت کیفری نداشته و اکراه کننده سبب اقوی از مباشر بوده و مجزات مباشر دارد.

-
۱. ماده ۳۷۵ ق.م.ا.: اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب، قصاص می‌شود و اکراه کننده، به حبس ابد محکوم می‌گردد.
تبصره ۱- اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است.
تبصره ۲- اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد عاقله او دیه مقتول را می‌پردازد. در این مورد اکراه کننده به حبس ابد محکوم می‌شود.
 ۲. ماده ۳۷۷ قانون مجازات اسلامی: اکراه در جنایت بر عضو موجب قصاص اکراه کننده است.
 - ماده ۳۷۸ قانون مجازات اسلامی: ادعای اکراه بر جنایت بر عضو باید در دادگاه ثابت شود و در صورت عدم اثبات با سوگند صاحب حق قصاص، مباشر قصاص می‌شود.

اکراه در جنایت قتل		
حالات اکراه شونده	مسئولیت کیفری اکراه شونده	مسئولیت کیفری اکراه کننده
بالغ و عاقل	قصاص	حبس ابد
طفل ممیز	دیه توسط عاقله	حبس ابد
طفل غیر ممیز	رافع مسئولیت	سبب اقوی از مباشر

۵- گاهی اکراه کننده دیگری را وادار به انجام رفتاری می‌کند که نتیجه آن منتهی به سلب حیات می‌شود. به طور نمونه او را به تهدید و اجبار وادار می‌کند که به "قتل دیگری اعتراف و اقرار کند" که نتیجه آن اعدام شخص اقرار کننده است در حالی که مرتکب قتل نشده است، در چنین صورتی مستنداً به ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی به دلیل وجود "قصد تبعی" اکراه کننده به قصاص محکوم خواهد شد.

قواعد مدنی اکراه

۱- مطابق ماده ۱۹۹ قانون مدنی، "رضای حاصل در نتیجه اشتباه یا اکراه، موجب نفوذ معامله نیست." اما موجب بطلان معامله هم نخواهد بود لذا در صورت اعلام رضایت بعدی مجبور یا مکره، معامله نافذ و صحیح است، موید این مطلب ماده ۲۰۳ و ۲۰۹^۱ قانون مدنی است که می‌گوید: اکراه موجب عدم نفوذ معامله است.

۲- مطابق ماده ۲۰۲ قانون مدنی "اکراه به اعمالی حاصل می‌شود که موثر در هر شخص باشعوری بوده و او را نسبت به جان یا مال یا آبروی خود تهدید کند به نحوی که عادتاً قابل تحمل نباشد. در مورد اعمال اکراه آمیز، سن و شخصیت و اخلاق و مرد یا زن بودن موثر است.

۳- مطابق ماده ۲۰۴ قانون مدنی تهدید در نفس - جان - آبروی شخص و اقوام نزدیک از جمله زن، فرزند، پدر و مادر، خواهر و برادر و امثال ذلک موجب اکراه است. قدر متیقن اینکه منظور از اقوام نزدیک همان زن، فرزند، پدر و مادر، خواهر و

۱. ماده ۲۰۹ قانون مدنی: امضای معامله بعد از رفع اکراه، موجب نفوذ معامله است.

بردار است لکن تشخیص بقیه افراد به عرف سپرده شده است.

۴- مطابق ماده ۲۰۸ قانون مدنی مجردی خوف، تهید و اکراه محسوب نمی‌شود پس اکراه و تهدید باید فعلی یا قریب الوقوع باشد.

۴- اشتباه

یکی از عوامل رافع مسئولیت کیفری " اشتباه " است بدین معنا که مرتکب مدعی است حین ارتکاب جرم به " حکم و یا موضوع " علم و اطلاع نداشته است.

اشتباه " گاهی " می‌تواند از عوامل رافع مسئولیت کیفری محسوب گردد لذا مانند جنون یا صغرسن به صورت مطلق، سبب سلب مسئولیت کیفری نخواهد بود. اشتباه گاهی متعلق به " حکم " بوده و گاهی متعلق به " موضوع جرم " لذا رابطه اشتباه با سلب مسئولیت کیفری را از دو منظر اشتباه حکمی و اشتباه موضوعی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱. اشتباه حکمی

در این حالت مرتکب مدعی است نسبت به حکم، قانون و مقررات جاهل بوده و از آنها اطلاعی نداشته است و به زبان ساده نمی‌دانسته است که شرب خمر، استعمال مواد مخدر، حمل اسلحه غیر مجاز، سرقت، مزاحمت به بانوان در قانون جرم انگاری شده و دارای مجازات کیفری است.

حسب ماده ۱۵۵ ق.م.ا اشتباه حکمی یعنی ادعای جهل به حکم " رافع مسئولیت کیفری نیست " مگر اینکه: ۱- حصول آگاهی به قانون عادتاً برای شخص امکان‌پذیر نبوده باشد مثل ایرانی الاصلی که در هلند متولد شده و ۲۵ سال در آن کشور زندگی کرده و به محض ورود به ایران و بدون اطلاع از قوانین، در فرودگاه اقدام به شرب خمر کرده باشد.

۲- یا اینکه جهل به حکم شرعاً عذر محسوب گردد بدین توضیح که مرتکب به حرکت رفتار مستوجب حدود شرعی ادعای جهل نموده و آن را نیز اثبات نماید. به طور نمونه خانمی که در ایام عده طلاق به نکاح مرد دیگری

در آمده است، اثبات نماید واقعاً به حرمت شرعی آن بی اطلاع بوده و در این صورت جهل به حکم، شرعاً عذر محسوب می‌گردد.

حسب ماده ۲۱۷ ق.م.ا: در جرائم حدی مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم و قصد و شرایط مسئولیت کیفری (عقل، بلوغ، اختیار) باید به "حرمت شرعی رفتار ارتكابی" نیز آگاه باشد.

ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی:

جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم شرعاً عذر محسوب شود.
تبصره- جهل به نوع یا میزان مجازات مانع از مجازات نیست.

۲. اشتباه موضوعی

زمانی است که مرتکب در رفتار ارتكابی و عملی که انجام می‌دهد، مدعی اشتباه گردد، به عبارت دیگر، مرتکب در موضوع جرم مدعی اشتباه می‌شود لذا به دلیل اشتباه ادعایی، مدعی عدم وجود سوء نیت و نتیجتاً فقدان عنصر روانی در جرم است و بدین شکل، مسئولیت کیفری را از خود سلب شده می‌داند. به طور نمونه پرونده‌ای علیه آقای الف دایر بر شرب خمر در انظار عمومی تشکیل گردیده ولی مرتکب مدعی است که من از الکی بودن مایع مصرف شده مطلع نبودم و فکر کردم نوشابه بدون الکل است لذا اقدام به استعمال نمودم.

سلب مسئولیت کیفری به واسطه ادعای اشتباه در جرایم عمدی و جرایم عمدی متفاوت می‌باشد:

۱) اشتباه موضوعی در جرائم عمدی^۲

۱. اشتباه موضوعی متعلق به یکی از عناصر اصلی جرم باشد، مثلاً شخص به تصور اینکه مال متعلق به خودش است آن را برداشت یا تصرف می‌کند؛ در این صورت به دلیل اشتباه در مالکیت

۱. ماده ۲۱۷ ق.م.ا: در جرائم موجب حد، مرتکب در صورتی مسوول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسوولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد.

۲. جزوه حقوق جزای عمومی، امید ملاکریمی.

(عنصر مادی) یا سوءنیت (عنصر معنوی)، رافع مسئولیت کیفری است. یا مثلاً شخصی گوشی همراه دیگری را به دلیل شباهت زیاد و به تصور اینکه متعلق به خودش بردارد.

۲. اشتباه موضوعی متعلق به یکی از شرایط، اوضاع و احوال فرعی باشد، در این حالت رافع مسئولیت کیفری نیست اما می‌تواند از کیفیات مخففه باشد مانند اشتباه در سن مجنی علیه مثلاً به‌کارگیری افراد زیر ۱۵ سال جرم است و شخص مدعی است که فکر نمی‌کرده این بچه زیر ۱۵ سال باشد؛ در این صورت مسئولیت کیفری پابرجاست اما امکان تخفیف وجود دارد.

۳. اشتباه در هویت مجنی علیه؛ چنین اشتباهی گاهی رافع مسئولیت کیفری است و گاهی رافع مسئولیت کیفری نیست که ماده ۲۹۴ ق.م.ا. مساله را روشن کرده است.

مثلاً اگر شخصی به تصور اینکه مجنی علیه مهدورالدم است او را به قتل رسانده که در این صورت حسب ماده ۳۰۳ ق.م.ا. قصاص نمی‌شود اما دیه و مجازات تعزیری پابرجا است.

۱. ماده ۲۹۴ ق.م.ا: اگر کسی به علت اشتباه در هویت، مرتکب جنایتی بر دیگری شود در صورتی که مجنی علیه و فرد مورد نظر هردو مشمول ماده (۳۰۲) این قانون نباشند، جنایت عمدی محسوب می‌شود.

۲. ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی: در صورتی که مجنی علیه دارای یکی از حالات زیر باشد، مرتکب به قصاص و پرداخت دیه، محکوم نمی‌شود:

الف- مرتکب جرم حدی که مستوجب سلب حیات است.

ب- مرتکب جرم حدی که مستوجب قطع عضو است، مشروط بر اینکه جنایت وارد شده، بیش از مجازات حدی او نباشد، در غیر این صورت، مقدار اضافه بر حد، حسب مورد، دارای قصاص و یا دیه و تعزیر است.

پ- مستحق قصاص نفس یا عضو، فقط نسبت به صاحب حق قصاص و به مقدار آن قصاص نمی‌شود.

ت- متجاوز و کسی که تجاوز او قریب الوقوع است و در دفاع مشروع به شرح مقرر در ماده (۱۵۶) این قانون جنایتی بر او وارد شود.

ث- زانی و زانیه در حال زنا نسبت به شوهر زانیه در غیر موارد اکراه و اضطرار به شرحی که در قانون مقرر است.

تبصره ۱- اقدام در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده بدون اجازه دادگاه جرم است و مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌شود.

تبصره ۲- در مورد بند (ت) چنانچه نفس دفاع صدق کند ولی از مراتب آن تجاوز شود قصاص منتفی است، لکن مرتکب به شرح مقرر در قانون به دیه و مجازات تعزیری محکوم می‌شود.

۴. اشتباه در هدف: از عوامل رافع مسئولیت کیفری نسبی است؛ در اینصورت قصاص تبدیل به دیه می‌شود مانند رها کردن تیر به سمت آهو و برخورد آن با یک انسان که بند پ ماده ۲۹۲ ق.م.ا^۱ بیان کرده است.

۵. اشتباه در علل و عوامل مشددة: به طور نمونه شخصی به دیگری توهین کرده است درحالی که نمی‌دانند توهین شونده مقام رسمی و اداری بوده است و توهین وی، توهین مشدد محسوب می‌گردد که چنین اشتباهی از عوامل رافع مسئولیت کیفری نبوده و می‌تواند از کیفیات مخففه ماده ۳۸ ق.م.ا محسوب گردد.

۲) اشتباه در جرائم غیر عمدی

اشتباه موضوعی دال بر بی احتیاطی، بی‌مبالاتی و عدم رعایت نظامات دولتی عملاً بی‌معنا است و **رافع مسئولیت کیفری نیست** به طور نمونه کسی مدعی شود نمی‌دانستم در این اتوبان نباید با سرعت ۱۵۰ کیلومتر رانندگی کرد.

اشتباه قاضی

در صورت اشتباه یا تقصیر، قاضی ضامن است و در غیر این صورت خسارت از بیت‌المال پرداخت می‌گردد.

بدین توضیح که وظیفه قاضی تلاش برای فهم پرونده، تشخیص موضوع و نهایتاً صدور رای مناسب با محتوای پرونده است لکن اگر در هر یک از مراحل گفته شده، تلاشی نکرده و یا تلاش کافی را انجام نداده و یا حتی پس از تلاش لازم، با بی توجهی به محتویات پرونده رای صادر کند که خلاف قوانین و مقررات بوده و باعث تضییع حقوق اصحاب پرونده باشد، ضامن بوده و باید جبران ضرر و زیان نماید اما اگر تلاش لازم را کرده و متناسب با فهم قضایی خود و منطبق بر مقررات حقوقی رای صادر نماید، ضامن نخواهد بود.

۱. بند پ ماده ۲۹۲ ق.م.ا: جنایتی که در آت مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را دارد و نه قصد فعل وقاع شده بر او را مانند آنکه تیری رها کند و به فردی برخورد کند... .. که در این صورت به جای قصاص، دیه از عاقله اخذ می‌گردد.

اصل ۱۷۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران:

هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود، و درهرحال از متهم اعاده حیثیت می‌گردد.

ماده ۱۳ قانون مجازات اسلامی:

حکم به مجازات یا اقدام تأمینی و تربیتی و اجرای آنها حسب مورد نباید از میزان و کیفیتی که در قانون یا حکم دادگاه مشخص شده است تجاوز کند و هرگونه صدمه و خسارتی که از این جهت حاصل شود، در صورتی که از روی عمد یا تقصیر باشد حسب مورد موجب مسئولیت کیفری و مدنی است و در غیر این صورت، خسارت از بیت‌المال جبران می‌شود.

۵- خواب، خواب‌گردی و بیهوشی

حسب ماده ۱۵۳ ق.م.ا هرکس در حالت خواب، بیهوشی و مانند آنها مثل هیپنوتیزم مرتکب رفتار مجرمانه شود به دلیل فقدان قصد و اراده، فاقد مسئولیت کیفری است. مانند کسی که برای عمل جراحی بیهوش شده و در حالت بیهوشی برخی کلمات توهین آمیز نسبت به دیگران به زبان می‌آورد یا شخصی در اثر هیپنوتیزم، مال دیگری را تخریب یا سرقت می‌کند.

حسب بند الف ماده ۲۹۲ ق.م.ا قتل در حالت خواب خطای محض بوده و دیه بر عهده عاقله است مانند مادری که حین شیر دادن به نوزادش خوابش برده و نوزاد زیر مادر خفه می‌شود و یا شخص خواب‌گردی که در حال راه رفتن در خواب، پای خود را روی دیگری گذاشته و مرتکب جنایت شود.

حسب ماده ۱۵۳ ق.م.ا اگر شخص بداند با خواب رفتن مرتکب جرمی می‌شود و عمداً این اتفاق محقق گردد مسئولیت کیفری وجود دارد.

ماده ۱۵۳ قانون مجازات اسلامی:

هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود مجازات نمی‌گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می‌شود، عمداً بخوابد و یا خود را بی‌هوش کند.

ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی:

جنایت در موارد زیر خطای محض محسوب می‌شود:

الف- در حال خواب و بیهوشی و مانند آنها واقع شود.

ب- به وسیله صغیر و مجنون ارتکاب یابد.

پ- جنایتی که در آن مرتکب نه قصد جنایت بر مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد ایراد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری به قصد شکار رها کند و به فردی برخورد نماید.

تبصره- در مورد بندهای (الف) و (پ) هرگاه مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می‌گردد، جنایت عمدی محسوب می‌شود.

۶- مستی

عبارت است از حالتی که پس از مصرف الکل یا مواد دخانی یا تخدیری در شخص پدید آمده و باعث زوال اراده یا عقل شخص می‌گردد. مستی گاهی عمدی و گاهی غیرعمدی است.

حسب ماده ۱۵۴ ق.م.ا اصل بر این است که مستی رافع مسئولیت کیفری نیست که البته دارای استثنائاتی است که باعث می‌گردد مدعی شویم که مستی فی‌الجمله و به طور نسبی از عوامل رافع مسئولیت کیفری است لذا باید قائل به تفصیل شویم:

۱. مستی عمدی

رافع مسئولیت کیفری نیست و اگر شخصی به وسیله الکل یا مواد مخدر صنعتی مثل شیشه به قصد ارتکاب جرم و یا با علم به اثرات مواد مست کننده، خود را مست کند، در این صورت رافع مسئولیت کیفری نیست و برای هر دو فعل از باب تعدد جرم، مجازات خواهد شد.

۲. مستی اتفاقی

الف: از اثر مواد سگری آور بی اطلاع بوده است و اراده هم کاملاً سلب شده است: رافع مسئولیت کیفری است.

ب: از اثرات مواد سگری آور خبر داشته، اراده هم کاملاً سلب شده است: رافع مسئولیت کیفری نیست.

نکته: باید اذعان کرد تشخیص سلب مسئولیت از مرتکب و متهم مست امری مشکل بوده که می‌تواند هر بازپرس و قاضی را به مخاطره بیاندازد لذا بهترین روش برای بررسی وضعیت، توجه به شرایط و اوضاع و احوال ارتکاب جرم حاصله در اثر مستی است.

ماده ۱۵۴ قانون مجازات اسلامی:

مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به‌طورکلی مسلوب الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود.

ماده ۲۶۴ قانون مجازات اسلامی:

مصرف مسکر از قبیل خوردن، تزریق و تدخین آن کم باشد یا زیاد، جامد باشد یا مایع، مست کند یا نکند، خالص باشد یا مخلوط به‌گونه‌ای که آن را از مسکر بودن خارج نکند، موجب حد است.

تبصره- خوردن فقاع (آب جو مسکر) موجب حد است هرچند مستی نیاورد.